

## شناسایی و اولویت بندی گدها و ژنومهای ژئوپلیتیکی در شکل گیری و استمرار جنگ ترکیبی با استفاده از تکنیک تاپسیس (مطالعه موردی جنگ در سوریه)

مسعود مصدق<sup>۱\*</sup>

رضا روشنی<sup>۲</sup>

### چکیده

جنگها به عنوان رخداد‌های ژئوپلیتیکی حاصل از تقابل نیروهای متخاصم در قلمروی خاص می‌باشند. در بسیاری از موارد آنچه به عنوان دلیل آغاز یا استمرار جنگ بیان می‌شود در واقع بازنمایی مبتنی بر اهداف و منافع بازیگران آن است؛ در حالیکه اهداف بازیگران و منافع آنان متأثر از بنیادها و رقابت‌های ژئوپلیتیکی در سطح منطقه‌ای یا جهانی است. جنگ سوریه نیز که از آن به عنوان جنگی ترکیبی یاد می‌کنند، حاصل تقابل ژئوپلیتیکی بازیگران متعدد آن است. لذا این پژوهش کاربردی که با هدف شناسایی و اولویت بندی گدها و ژنومهای ژئوپلیتیک مؤثر در شکل گیری و تداوم جنگ ترکیبی سوریه است، به روش تحقیق آمیخته مبتنی بر طرح پژوهشی کراسول تهیه و تدوین گردیده، لذا درصدد است با مصاحبه با نخبگان و انجام مطالعات کتابخانه‌ای گدها و ژنومهای ژئوپلیتیک سوریه را شناسایی شد. در قسمت کیفی با استفاده از ابزار مصاحبه با تعداد ۱۰ تن از اساتید رشته جغرافیای سیاسی مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام و سپس با توجه به نتایج حاصل از مصاحبه در خصوص ساختن پرسشنامه تاپسیس و بین ۳۵ تن از دانش‌آموختگان مقاطع دکتری علوم استراتژیک یا عملیات مرکب و مشترک توزیع شد. یافته‌های پژوهش شامل است ۹ گد و ژنوم ژئوپلیتیک است که به شرح زیر اولویت بندی و درجه اهمیت آنان در خصوص شکل گیری و استمرار جنگ ترکیبی سوریه مشخص گردیده است: رقابت بازیگران فرامنطقه‌ای؛ داعش؛ رقابت بازیگران منطقه‌ای؛ قطب بندی ژئوپلیتیکی؛ اهمیت ژئوپلیتیک سوریه؛ بازیگران داخلی؛ دولت سوریه؛ جمعیت نامتجانس و واگرا و چالش‌های ژئوپلیتیکی سوریه با همسایگانش.

### واژگان کلیدی

*پولومولوژی جنگ ترکیبی؛ گدها و ژنومهای ژئوپلیتیکی؛ جنگ سوریه؛ تاپسیس.*

۱ - دانشجوی دوره دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

۲ - دانشجوی دوره دکتری مدیریت راهبرد دفاعی دانشگاه عالی دفاعی ملی

## مقدمه

همچنان که ایده‌ها و فناوری‌ها در طول تاریخ تغییر می‌کنند، شیوه‌های جنگ و تهدیدات نیز به همان نسبت متحول می‌شوند. این تغییرات دائمی، اخیراً با چرخش عمده ژئوپلیتیک که در آن تجزیه شوروی به جهان دو قطبی پایان داد، شتاب بیشتری یافته است؛ به طوری که بسیاری از گروه‌های ملی، قومی و مذهبی در سراسر جهان فرصت جدیدی برای رسمیت پیدا کردن و استقلال را دریافته‌اند. در عصر جهانی‌سازی و نزاع‌های قومی و ملی و جنبش‌های دینی ارتجاعی که همه در پس زمینه پس از جنگ سرد و متعاقب آن، به علت گسست ژئوپلیتیک و جابجایی موازنه قدرت انجام گرفته است، ظهور مفهومی چون جنگ نسل چهارم اجتناب‌ناپذیر گردیده است (سی ویلیامسون، ۲۰۰۹، ترجمه شیخ‌بهایی و جولانی، ۱۳۹۴: ۷۸). هر چند که روند تحولات و تغییرات تاریخی در سیاست و جنگ در سال ۱۶۴۸/م سبب گردید تا تی‌ایکس هانس<sup>۱</sup> مفهوم نسل چهارم جنگ را مطرح نماید و در ابتدا این جنگ به عنوان "بیربطی موزون" شناسایی و انتقادات زیادی بر ریشه‌های تاریخی آن مطرح گردید؛ ولی اکنون انکار واقعیت نسل چهارم جنگ غیر ممکن است. اما بخش‌هایی مختلف این تئوری دقیقاً نامشخص است؛ خصوصاً نامشخص بودن جنگ و صلح، مبارزان و غیرمبارزان آن و همچنین طرف‌های درگیر. به طور کلی، جنگ‌های نسل چهارم مرز بین جنگ و سیاست، جنگ و صلح، نظامی و غیر نظامی و میدان جنگ و منطقه امن را از بین می‌برد. این نوع از جنگ به دلیل از بین رفتن انحصار و به کار بردن خشنونت بیش از حد به دولت - ملت، پدید آمده است؛ از پیدایش جنگ فرهنگی، قومی و مذهبی، و همچنین از گسترش جهانی‌سازی، مخصوصاً استفاده از فناوری پیشرفته گرفته تا شکلی پراکنده در یک منطقه جغرافیایی محدود یا حتی جهان، انجام و ممکن است گسترش داشته باشد. این نوع جنگ هیچ میدان رزم مشخی ندارد؛ در عوض به طور همزمان در مراکز پر جمعیت، مناطق روستایی و شبکه‌های مجازی در جریان بوده و به پیش می‌رود. این جنگ به طور همزمان در تمامی ابعاد در حال حرکت است و شامل جامعه به مثابه فرهنگ و نه تنها موجودیتی فیزیکی می‌شود. اهداف جنگ نسل چهارم تنها سربازان نیستند، بلکه غیرنظامیان، مفاهیم و اعتقادات دینی، چارچوب‌های حقوقی، رسانه‌ها، فعالیت‌های اقتصادی، قدرت سیاسی و اذهان مردم را نیز در بر می‌گیرد. به همین ترتیب، اهداف نه فقط تخریب فیزیکی بلکه بیشتر برای تأثیر ذهنی و اخلاقی آن‌ها بر مدافع انتخاب می‌شود. ویلیام لیند نظریه پرداز جنگ نسل چهارم، معتقد است که راه‌کنش‌های جنگ‌های نسل چهارم ضرورتاً

---

<sup>۱</sup>T.X. Hammrs.

آشکار نیست. این راه‌کنش‌ها شبیه راه‌کنش‌های چریکی و تروریستی هستند که با استفاده از فن‌آوری مدرن در سطح عملیاتی و راهبردی اجرا می‌شوند. مهم‌تر اینکه لیند تاکید می‌کند که مشخصه جنگ‌های نسل چهارم تغییرات وسیع در شیوه جنگ نیست بلکه در کسی است که می‌جنگد و چیزی که برای آن می‌جنگد (همان: ۸۳-۸۰).

به همین ترتیب فرانک جی هافمن از پژوهشگران مرکز تفنگداران دریایی (آمریکا) در خصوص تهدیدات و فرصت‌های نوظهور، تبیینی روشن از ارتباط جنگ نسل چهارم با جنگ ترکیبی و چالش‌های آن ارائه می‌دهد. مفهومی که او به دست می‌دهد بر ایده‌هایی شامل: جنگ‌های میان مردم؛ جنگ نسل چهارم و جنگ نامحدود استوار است. هافمن تهدید ترکیبی را اینگونه تعریف می‌کند: طیف کاملی از حالات مختلف جنگ با قابلیت‌های متعارف، راه‌کنش و آرایش‌های نامنظم، اقدامات تروریستی مانند خشنونت و ارباب کورکورانه، اختلال تبهکارانه که در هم ترکیب می‌شود. جنگ ترکیبی ممکن است از سوی دولت‌ها، تنوعی از بازیگران بی‌دولت و یا ترکیبی از این دو باشد (همان: ۹۷).

تهدیدهای ترکیبی یک سطح کامل از روش‌های مختلف جنگ را به همراه دارد که شامل قابلیت‌های منظم، تاکتیک‌های نامنظم، شکل‌گیری فعالیت‌های تروریستی از جمله خشنونت‌های بی‌هدف و شورش‌های تبهکارانه می‌باشند. جنگ‌های ترکیبی می‌تواند هم به وسیله دولت‌ها و هم عوامل غیر دولتی هدایت شود. خصوصیت اصلی این جنگ چند وجهی همگرایی و ترکیب چندین روش در آن است. اگرچه در اغلب درگیرها، مولفه‌های منظم و نامنظم در هم ادغام می‌شوند، اما در جنگ ترکیبی علاوه بر این، نیروهای صحنه عملیات هستند که به صورت عملیاتی و تاکتیکی در هم ادغام می‌شوند. در این ادغام مولفه نامنظم نیروی ترکیبی سعی دارد تا به صورت عملیات‌های تعیین کننده اقدام کند تا آنکه درگیری را طولانی کرده و باعث تحریک واکنش‌های شدید یا افزایش هزینه‌های امنیتی مدافع گردد. در حال حاضر بحران‌های دولتی قرن بیستم جای خود را به جنگ‌های ترکیبی داده است و تفاوت روشی نیز میان نظامیان و غیرنظامیان و همچنین جرائم سازمان یافته، ترور، خشنونت و جنگ دیده نمی‌شود (گزارش پژوهشی جنگ ترکیبی، ۱۳۸۹، ۳-۶).

بدین ترتیب بخش اصلی این مفهوم (جنگ ترکیبی) شامل ترکیبی کامل از تهدیدات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بوده که بر اثر ضعف یک دولت به عنوان مکانیزم حاکم و سازمانی در یک کشور ممکن است حادث شود. علت اصلی ایجاد این تهدید می‌تواند بر پایه و اثر عوامل مختلفی از جمله گسست ژئوپلیتیکی و اثرات ژنوم‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی پدید آید. وجود

ژنوم‌های ژئوپلیتیکی در هر کشور اختصاصی بوده و به همان میزان که فرصت آفرین است، می‌تواند تهدید کننده نیز باشد تا جایی که به پیدایش فعالان غیردولتی مسلح و به چالش کشیدن مشروعیت و نابودی یک دولت ختم شود. ژنوم‌های ژئوپلیتیکی استعاره‌های هستند که از مباحث بیولوژی و ژنتیک به عاریه گرفته شده و می‌تواند برای تحلیل و درک واقعیت‌ها، مسائل و پدیده‌های محیط جغرافیایی از جمله جنگ دارای کاربردهای فراوانی باشند. زیرا همانگونه که بدن انسان اگر بنابر نقشه ژنتیک خود عمل کند، به آسیب و بیماری کمتری دچار می‌شود؛ کشورها نیز دارای گدهای ژنتیک و ژنوم‌های راهبری مختص به خود هستند و باید با شناسایی، اقدامات به موقع و مؤثر آن‌ها را راهبری کرده تا احتمال هر گونه تهدید و آسیبی کاهش یابد.

به طور کلی ژنوم ژئوپلیتیک، نقشه جغرافیایی ژنتیک سیاست در یک کشور است که تاثیری بسزا در شکل بخشیدن به رفتارهای سیاسی آن کشور در نظام بین‌الملل دارد. بیان این نکته حائز اهمیت است که مفهوم ژنوم‌های ژئوپلیتیک در حوزه سیاست‌های داخلی یک کشور مطرح و بررسی می‌گردد، در حالیکه گدهای ژئوپلیتیک در حوزه سیاست‌های خارجی قرار دارند (خلیلی، حیدری و صیادی، ۱۳۹۲، ۹۹-۹۸) که در این پژوهش به هر دو مقوله پرداخته شده است. با توجه به آنچه بیان گردید می‌توان دریافت مطالعات جنگ شناختی در حوزه تهدیدشناسی قرار داشته و این خود دلیل آشکاری بر اهمیت و ضرورت این پژوهش می‌باشد؛ چرا که تهدید حضور دشمن فرامنطقه‌ای در کنار مرزهای کشور به همان میزان که پر مخاطره و تهدیدزا است، فرصتی مناسبی برای مشاهده رفتار نظامی و تحلیل تئورهای او برای جنگیدن در حال و آینده را نیز به دست می‌دهد. از این رو می‌توان با توجه به اصول و مبانی علمی و پژوهشی در خصوص ایجاد مبانی نظری مستحکم در حوزه سیاست دفاعی و شناخت تهدیدات آینده و برآورد اقدامات دشمن برنامه‌ریزی‌های لازم را اجرا نمود. بنابراین مسئله و پرسش اصلی این پژوهش با توجه به اینکه در حال حاضر سوریه به عنوان یک متحد استراتژیک برای ما بشمار می‌آید، عبارت از این است که گدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیکی در شکل‌گیری و استمرار جنگ در سوریه که ماهیتی ترکیبی دارد کدامند؟ و اولویت این گدها و ژنوم‌ها به چه ترتیبی است؟

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش کاربردی که از حیث روش‌شناسی آمیخته و مستند به طرح پژوهشی کراسول<sup>۱</sup> است. هدف این پژوهش مبتنی بر شناسایی و اولویت‌بندی گدھا و ژنوم‌های ژئوپلیتیکی مؤثر در شکل‌گیری و بروز جنگ سوریه که ماهیتی ترکیبی دارد، متمرکز می‌باشد. بدین لحاظ به منظور شناسایی و کشف گدھا و ژنوم‌ها ژئوپلیتیکی مؤثر در ایجاد جنگ ترکیبی علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای با تعداد ۱۰ تن از نخبگان در حوزه جغرافیایی سیاسی مصاحبه نیمه‌ساختار یافته انجام گردیده و این روند تا کشف و به اشباع رسیدن گدھا و ژنوم‌های ژئوپلیتیک سوره ادامه داشته و سپس با توجه به موضوع پژوهش مبنی بر اولویت‌بندی گدھا و ژنوم‌ها از روش تصمیم‌گیری چند معیاره مبتنی بر نرم‌افزار تاپسیس استفاده گردیده است. در این راستا بر اساس گدھا و ژنوم‌های استخراج شده از مصاحبه و مطالعات کتابخانه‌ای نسبت به تهیه پرسشنامه تاپسیس بر اساس طیف لیکرت، اقدام و با توزیع کاملاً هدفمند آن میان ۳۵ تن از دانش‌آموختگان مقطع دکتری علوم استراتژیک توزیع گردیده است. داده‌های کمی جمع‌آوری گردیده شده به وسیله تاپسیس اولویت‌بندی گردیده‌اند؛ شایان ذکر است اجرای این پژوهش علاوه بر دستیابی بر اهداف، منجر به تولید ادبیات و مبانی جنگ ترکیبی نیز گردیده است.

### مبانی نظری

#### گدھا و ژنوم‌های ژئوپلیتیک مرتبط با جنگ

در توصیفی عام و تعریفی کلی، منظور از ژئوپلیتیک رقابت قدرت‌های سیاسی در مورد سرزمین است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۵). رقابت بر سر کنترل، تصاحب و نفوذ در سرزمین و فضای جغرافیایی لاگوست معتقد است امروز چیزی را ژئوپلیتیک می‌داند که با رقابت بر روی سرزمین مرتبط است. این رقابت بر سر سرزمین و انسان‌های ساکن بر روی آن انجام می‌شود (شمس‌آبادی و اشتری، ۱۳۹۵: ۱۴). بدیهی است رقابت همیشه به معنای تقابل نخواهد بود بلکه رقابت در نفس‌نیات، تصمیمات و رفتارهای بازیگران نهفته است و ممکن است در برخی شرایط این رقابت تعاملی بین دو یا چند بازیگر بر علیه سایرین ایجاد کند (فلینت، ۱۳۹۰: ۵۲).

<sup>۱</sup> بر اساس طرح پژوهشی کراسول که به روش آمیخته انجام می‌گردد، در ابتدا با ابزار کیفی می‌توان اطلاعات مرتبط با پژوهش را جمع‌آوری کرده و سپس به وسیله اطلاعات جمع‌آوری شده پژوهش را توسعه و به سمت تحقیق کمی هدایت نمود.

ژنوم‌های ژئوپلیتیک، نقشه جغرافیایی سیاست در یک کشور است که تأثیر زیادی به شکل دادن رفتارهای سیاسی در نظام بین‌الملل دارد. همانگونه که انسان بنا بر نقشه ژنتیک خود عمل می‌کند، کشورها نیز دارای کدهای ژنتیک راهبردی هستند. کُد ژئوپلیتیک عبارت است از دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور در ماورای مرزهای خود، کُد ژئوپلیتیک نتیجه استدلال ژئوپلیتیک عملیاتی است که شامل مجموعه‌ای از پیش فرض‌های سیاسی و جغرافیایی مربوط به زیرساخت‌های سیاسی یک کشور می‌شود بیان این نکته بسیار ضروری است که سرچشمه‌های قدرت در جغرافیای کشورها قرار دارد. ویژگی‌های جغرافیایی نقش بنیادی در شکل‌گیری سایر عناصر قدرت مانند قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی بازی می‌کند (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۱، ۴۰-۴۱) که در این پژوهش این عناصر به عنوان ژنوم‌های ژئوپلیتیک سوریه مد نظر بوده و به عنوان عوامل داخلی در بروز جنگ در سوریه تحلیل خواهد شد. بدین ترتیب می‌توان استنباط نمود که میان کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک تفاوت وجود دارد. کدها با ژنوم‌ها در هشت مورد با یکدیگر تفاوت دارند: کُد ژئوپلیتیک همان ژنوم‌های موجود در کشور رقیب یا هدف است.

ژنوم ژئوپلیتیک همان واقعیت‌های جغرافیایی موجود در محدود مرزهای سیاسی یک کشور است. به عبارتی کُد ژئوپلیتیک در حوزه مطالعاتی ژئوپلیتیکی قرار دارد در حالیکه ژنوم در حوزه مطالعاتی جغرافیایی سیاسی است. ژنوم ژئوپلیتیک تمام عواملی را که در قدرت ملی یک کشور نقش مثبت و منفی دارند را به صورت بالفعل و بالقوه مورد مطالعه قرار می‌دهند. به طور کلی کُد ژئوپلیتیک در حوزه سیاست خارجی است در حالیکه ژنوم ژئوپلیتیک در حوزه سیاست داخلی قرار داشته و در رستای جلب رضایت ملت و بسترسازی سیاست خارجی به کار می‌رود و ممکن است در ادوار مختلف زمامداری یک حاکمیت تغییر کند (همان، ۴۱).

با توجه به آنچه پیرامون کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک بیان گردید، ضروری است ارتباط میان این مفاهیم با جنگ نیز بررسی و ارائه گردد. در بررسی روندهای تاریخی سیر تحولات تاریخ بشر بیانگر این واقعیت است که بیشتر جنگ‌ها ریشه ژئوپلیتیکی داشته‌اند؛ بدین شکل که عوامل و مسائل ژئوپلیتیکی از جمله: (رقابت‌ها، اختلافات فرهنگی و ایدئولوژیکی، منافع، دغدغه‌ها و قطب‌بند‌های ژئوپلیتیکی)، سبب تقابل گروه‌ها، اجتماعات و کشورها برای تسلط، کنترل یا نفوذ بر یک سرزمین و فضای آن بوده است. همچنان توجه به این نکته حائز اهمیت است که با وجود فروپاشی نظام دوقطبی در جهان، کشورهایی که در قطب‌بند‌های جدید ژئوپلیتیکی قرار دارند یا از نظر گفتمان ژئوپلیتیکی، در گفتمان غیر رایج قرار دارند، امکان

جنگ و درگیری در آن‌ها بیشتر است. به این موارد باید کشورهای که دارای اختلافات مرزی و سرزمینی و کشورهایی با نژادها و قومیت‌های چندقابله و دارای جغرافیایی متکثر فرهنگی و مذهبی را نیز اضافه کرد (شمس دولت‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶).

### پولومولوژی جنگ ترکیبی

اصطلاح جنگ ترکیبی نخستین بار پس از جنگ دوم لبنان در سال ۲۰۰۶ میلادی که طی آن اسرائیل (غاصب) با برتری متعارف به درگیری با پویایی راه‌کنشی حزب‌الله - از متعارف تا نامتعارف- پرداخت، به کار رفت. اهمیت این جنگ از آنجاست که اسرائیل علیرغم برتری خود نتوانست به اهداف راهبردی خود دست یابد. این جنگ توانایی عوامل غیر دولتی در استفاده از نقاط ضعف ارتشی با برتری نظامی متعارف و اقدامات متقابل مناسب را نشان داد. کاربرد راه‌کنش ترکیبی ذاتاً باعث ناپایداری در توان دشمن قوی‌تر می‌گردد. اما یکی از نقاط ضعف ذاتی جنگ ترکیبی آن است که عمدتاً مجموعه‌ای از راه‌کنش‌ها را به کار می‌گیرد و فاقد راهبرد لازم برای رفع مشکلات بلند مدت است. نقطه قوت جنگ ترکیبی راه‌کنش‌های ترکیبی به منظور پیشرفت تصاعدی در رسیدن به موقعیتی تهدیدآمیز و در عین حال باقی ماندن در همین وضعیت است (کال‌ها؛ ۲۰۱۵، ترجمه شیخ‌بهایی و جولایی، ۱۳۹۴، ۲۱۵-۲۱۴).

در اسناد بازبینی چهارساله دفاعی آمریکا که در سال ۲۰۰۶ انتشار یافت، کارشناسان به طور رسمی وجود تهدیدات ترکیبی را به رسمیت شناختند. آنچه در این بازبینی ارائه شد، شامل تغییراتی در ایده‌های کنونی بود. این تفکر نوظهور در پی مطالعات فرانک هافمن در زمینه سازمان‌ها و نیروهای ترکیبی به وجود آمده است. اگرچه سازمان‌های دفاعی غربی به خصوص در آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی، وجود این مفهوم را پذیرفتند، اما تعریف و درک آن‌ها از جنگ ترکیبی یکسان نیست. تاکنون تعاریف زیادی برای سناریوهای ترکیبی ایجاد شده است. اما هرکدام از این تعاریف در ابتدا وابسته به دیدگاه‌های شخصی نویسندگان و در مرحله دوم وابسته به محیط اطراف سازمان ترکیبی و بر اساس تهدیدات می‌باشند. در نتیجه، هیچ تعریف یا توصیف واحدی وجود ندارد که بتوان از آن برای همه نقاط جهان و برای همه سناریوهای ترکیبی بالقوه استفاده کرد. برای اینکه هرکدام از سناریوها در مدل مورد نظر جای بگیرند، باید کمی تغییر در سناریو داده می‌شد. این فقدان اتفاق نظر و درک، سبب ایجاد محدودیت

۱. پولومولوژی یا جنگ‌شناسی معادل اصطلاح: Polemology، از ترکیب واژه یونانی Polemus، به معنی جنگ و Logos، به معنی شناخت یا بررسی علمی، تشکیل شده است (شایان‌مهر، ۱۳۹۱، ۱۳).

درتوانایی متخصصان نظامی در به کارگیری هنر عملیاتی‌شان در شرایط تهدیدات ترکیبی می‌گردد (مک کالو، جانسون، ۲۰۱۳، ترجمه: زورهای و الهیاری ۱۳۹۴، ۸-۷). لذا در ادامه به منظور تحقق پولومولوژی (جنگ شناختی) جنگ ترکیبی، تکامل و تنوع تعاریف مختلف جنگ ترکیبی را از لحاظ سیر مراحل تاریخی مرور کرده تا بتوان با برشماری مصادیق و ویژگی‌های آن تعریفی برای درک بهتر آن ارائه و همچنین اثبات گردد آنچه امروز در سوریه در جریان است یک جنگ ترکیبی تمام عیار است. در این خصوص مروری بر مطالعات قبلی که بحث ترکیب شدن جنگ‌های متداول و غیرمتداول و ظهور ایده جنگ ترکیبی را بررسی کرده‌اند، اصولی را به ما نشان می‌دهند که می‌توانند راه‌گشایی برای ایجاد تئوری جنگ ترکیبی باشند.

در بررسی برخی از مصادیق و سوابق تاریخی از جنگ ترکیبی مدرن می‌توان به نحوه عملکرد آشوبگران ایرلندی در سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۱۹ اشاره کرد. زیرا آن‌ها با تعدادی واحدهای شبه نظامی یا متعارف با عملیات نفوذ اطلاعاتی و تروریسم بهره می‌بردند. آن‌ها با هدایت خطوط پروازی در کشور، عملیات شهری در داخل و خارج پرداخته و سرزمین‌های یهودی نشین در انگلستان و ایالات متحده آمریکا تأسیس کردند. همچنین توانایی گروه‌های افغانی در دهه ۸۰ میلادی از دیگر مصادیق جنگ ترکیبی است. تجربیات شورشیان چچن در اعتراض بر علیه روسیه نیز از مصادیق جنگ نسل چهارم است. با این همه جنگ حزب الله با دولت غاصب اسرائیل (۲۰۰۶م) نیز از مصادیق جدید از جنگ ترکیبی را به دست می‌دهد. به روایت تحلیلگران نظامی در آمریکا، حزب الله نمونه‌ای آشکار از جنگجویان ترکیبی مدرن می‌باشند. از دیدگاه غربی‌ها، حزب‌الله نماینده تهدیدات ترکیبی در حال ظهور است. آن‌ها با ترکیب جنبش‌های سیاسی سازمان یافته با سلول‌های غیر متمرکز با به کار بردن تاکتیک‌های اقتباسی در مناطق مهار نشده شهری، می‌توانند همانگونه که پذیرایی آسیب باشند، آن را به طرف مقابل نیز تحمیل کنند (بی‌نا، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۷).

از دیگر مصادیق جنگ ترکیبی باید به جنگ ویتنام اشاره نمود. این جنگ نام مجموعه عملیاتی است که از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ میان نیروهای ویتنام شمالی و جبهه ملی آزادیبخش ویتنام جنوبی (ویت‌کنگ) از یکسو و نیروهای ویتنام جنوبی و متحدانش به ویژه آمریکا از سوی دیگر رخ داد. جنگ ویتنام نشان دهنده عناصر کلاسیک یک جنگ ترکیبی مقاومتی در عمل است. جمهوری دمراتیک ویتنام (دی آر وی) با استفاده از نیروی متعارف ارتش خود و همچنین به کارگیری و ترکیب چریک‌های آزادی خواه ویتنام جنوبی و با احداث پایگاه‌های امن در لائوس و



کامبوج به عنوان عنصر مقاومتی، اتحاد قدرتمندی با چین و اتحاد جماهیر شوروی سابق را فراهم نمود و در نهایت این اقدامات به شکست آمریکایی‌ها در جنگ و خارج شدن از ویتنام انجامید. سال‌ها محققان و افسران آمریکایی دلایل شکست آمریکا را مورد تحلیل قرار دادند؛ اما هیچ پاسخ ساده‌ای برای آن وجود نداشت. اما عناصری کلیدی مانند اینکه ایالات متحده هیچگاه همچون کمونیست‌های دی آر وی تمایلی برای پیروزی نداشت و یا اینکه آماده یک جنگ طولانی نیز نبود و علی‌رغم برتری بیش از اندازه تسلیحاتی هرگز نتوانست سخت بجنجد، از عوامل شکست آن‌هاست (هووینن، ۲۰۱۱، ترجمه: شیخ‌بهایی و جولانی، ۱۳۹۳، ۱۵۰-۱۴۹).

سیاست آفندی روسیه در انضمام کریمه به خاکش و تهدید کاربرد نیروهای نظامی خود و حمایت عملی از گروه‌های جدایی‌طلب اوکراین، که غرب و ناتو در پاسخ‌گویی به آن مستأصل ماندند، نیز از مصداق دیگر از درگیرهای ترکیبی با رویکردی دولتی به شمار می‌آید (باکمان و گرنریوسون، ۲۰۱۴، ترجمه شیخ‌بهایی و همکار، ۲۸۸). اقدامات روسیه مبنی بر اشغال و اختلال در نظم داخلی اوکراین شکل جدید و بسیار کارآمدی را از جنگ ترکیبی نشان داد. روسیه از راه‌کنش‌های بسیاری برای نیل به اهدافش استفاده کرد؛ از وادارسازی سیاسی و اقتصادی، حملات سایبری، اطلاع‌رسانی نادرست و تبلیغات گرفته تا اقدام نظامی نهان و آشکار. این ابزارها برای ایجاد ناآرامی در شرق اوکراین طی سال مورد استفاده قرار گرفت، اما موفقیتی به اندازه عملیات اولیه در کریمه به دست نی‌آورد. کاربرد موفقیت‌آمیز فناوری مدرن روسیه را قادر به استفاده از بُعد اطلاعاتی جنگ داخلی در اوکراین نمود. روسیه از طریق تبلیغات و تحریف حقایق قادر شد تا واقعیت و دروغ را در فضای سایبری و در زمین درهم بیامیزد. دروغ می‌تواند روسیه را مدافع حقوق مردم نشان دهد (فریدمن، ۲۰۱۵-۲۰۱۴) این مسائل از پیچیدگی‌های جنگ ترکیبی است.

در هر کدام از این مثال‌های بالا که مطرح گردید، مسائل مشابهی وجود دارد که نشان می‌دهد که نیروهای ترکیبی چه در قالب دولتی و غیر دولتی آن، چرا و چگونه به وجود می‌آیند. به این ترتیب تحلیل‌گران می‌توانند با پاسخ‌گویی به عملکرد این نیروها و چگونگی حمایت‌های انجام شده از آن‌ها در خصوص احتمال و به وجود آمدن درگیرهای ترکیبی در آینده پیش‌بینی‌های لازم را انجام دهند. کنشگران مسائل سیاسی، نظامیان حرفه‌ای و تاریخ‌دانان معتقدند که اکثر جنگ‌ها از عملیات منظم و نامنظم تشکیل شده‌اند. زمانیکه درجه مشخصی از هماهنگی

۱. شاید بتوان علل حمایت‌های انجام شده از نیروهای ترکیبی توسط منابع دولتی و غیر دولتی، جنگ ترکیبی را معادل جنگ نیابتی نیز به شمار آورد.

راهبردی بین نیروهای منظم و نامنظم در درگیرها شکل می‌گیرد، می‌توان نام جنگ ترکیبی را بر آن نهاد.

با این وجود ماکس بوث<sup>۱</sup> با تاکید بر مطالعات طولانی خود پیرامون جنگ و فناوری، اعتقاد دیگری دارد و مشاهداتش را چنین عنوان می‌کند: محدود میان جنگ منظم و نامنظم نامشخص است؛ حتی گروه‌های غیردولتی به طور روز افزون به سلاح‌هایی دست می‌یابند که زمانی تحت حفاظت انحصاری دولت‌ها قرار داشتند. این در حالی است که دولت‌ها امروز به طور شتاب‌زده رو به راهبردهای نامتعارف برای کم کردن از تاثیرات قدرت آمریکا اقدام می‌کنند (گزارش پژوهشی جنگ ترکیبی، ۲۵، ۱۳۸۹).

بدین ترتیب عبارت ترکیبی هم سازمان و هم ابزار و تجهیزات را در بر می‌گیرد. به لحاظ سازمانی ممکن است ساختار سیاسی سلسله‌مراتبی به همراه سلول‌های مرکز زدایی شده و غیر متمرکز یا واحدهای راه‌کنشی شبکه محور را شامل شود. نیروی ترکیبی می‌تواند از دولت‌ها، گروه‌های اجیره شده از سوی دولت‌ها یا بازیگران مستقل تشکیل شود. در چنین جنگ‌هایی از دسترسی به قابلیت‌های مُدرن نظامی بهره خواهند برد؛ قابلیت‌هایی همچون سامانه‌های فرماندهی و کنترل، موشک‌های زمینی و هوایی قابل حمل و دیگر سامانه‌های کشنده مُدرن، جنگ‌های سایبری علیه هدف‌های اقتصادی، سلاح‌های ضدماهواره‌ای و همچنین حمایت از شورش‌های طولانی، کمین، ابزارهای ضعیف شده و ترور افراد مهم را شامل می‌شود (گزارش پژوهشی شماره ۲، ۱۳۸۹).

نظریه‌پردازان جنگ ترکیبی، اعتقاد دارند کشوری که درگیر جنگ ترکیبی است، در تمام سطوح خود یعنی بنگاه‌های امنیتی، ادارات و عملیات حکومتی، سایت‌ها و نیروهای نظامی، خدمات ضروری و اقتصادی تا نابود شدن پیش می‌رود. آن‌ها متذکر می‌شود نیروی جنگ ترکیبی جمعیت را به عنوان میدان جنگ هدف قرار می‌دهد. یکی از مهم‌ترین دلایلی که جمعیت به عنوان میدان جنگ انتخاب می‌شود، این است که در آنجا جنگ می‌تواند تا همیشه ادامه داشته باشد. طولانی کردن جنگ به عنوان راهبرد قطعی جنگ در زمان معاصر ابتدا از سوی مائو تزائنگ مطرح و مورد تاکید قرار گرفت، او مفهوم جنگ انقلابی طولانی را ترویج داد. او در رساله خود تحت عنوان در "باب جنگ طولانی" اینگونه توضیح می‌دهد که "تنها راه برای پیروزی نهایی جنگی طولانی به لحاظ راهبردی است".

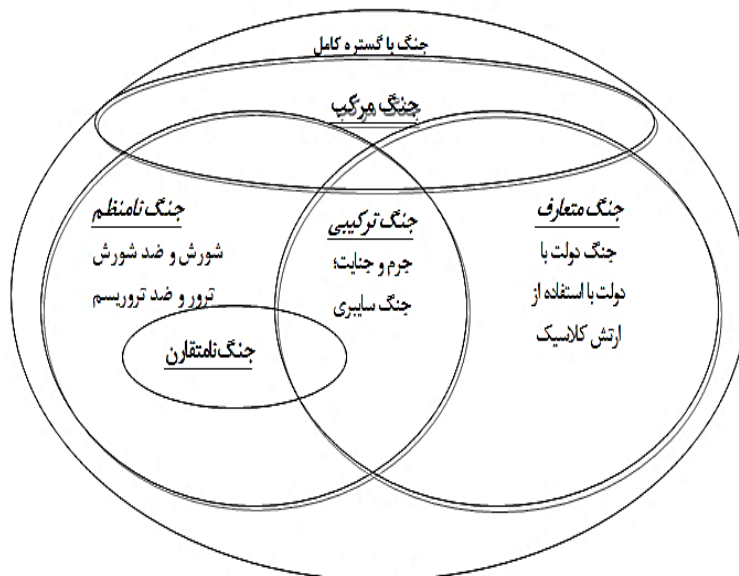
---

۱ Max Booth

با توجه به آنچه تاکنون پیرامون شناخت جنگ ترکیبی و پیشینه مُدرن آن بیان گردید، می‌توان به طور خلاصه گفت: مفهوم جنگ و تهدیدات ترکیبی مفهوم جدیدی نیست، بلکه تهدیدی است چند وجهی با رویکردی کل‌گرایانه که یک یا چند بازیگر دولتی یا غیردولتی با در اختیار داشتن قابلیت‌های نظامی و غیر نظامی که اصولاً به عوامل دولتی تعلق دارد تهدیداتی چندوجهی مستقیم یا نیابتی، کم شدت و طولانی و یا پرشدت و کوتاه، جنبشی و غیرجنبشی؛ قومی و مذهبی را در قبال صلح و امنیت یک کشور با ابعاد منطقه‌ای یا جهانی را طرح‌ریزی و اجرا می‌کنند. ابعاد این تهدیدات شامل جنگ سایبری، ادغام سناریوی‌های درگیری منظم و نامنظم، تروریسم جهانی، دزدی دریایی، جرائم سازمان یافته ملی و فراملی، چالش‌های مردم شناختی، فرهنگی و ایدئولوژی، ارباب و ایجاد وحشت با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تبلیغات سیاه، از میان بردن امنیت منابع و تخریب آن، رد جهانی شدن و گسترش تسلیحات کشتار جمعی می‌گردد؛ این تهدیدات همواره به منظور دستیابی به اهداف خاص و ویژه سازماندهی و اجرا می‌گردد.

با توجه به تعریف مذکور چنانچه خواهیم موقعیت جنگ ترکیبی را به عنوان یک شیوه نوظهور از انواع جنگ‌های مدرن تعیین و ترسیم نماییم، می‌توان آن را طی شکل شماره یک ترسیم و ارائه نمود؛ در این شکل فضای جنگ با تاکید بر همه یافته‌های بشری و سیر تحولات تاریخ نظامی و جنگ‌ها و همچنین سیر تحولات اندیشه نظامی و هر آنچه به عنوان فن‌آوری نظامی تاکنون کسب گردیده است در یک قالب و گستره کامل از عملیاتی نظامی را نشان داده است. در این شکل جایگاه جنگ ترکیبی به فضای اختصاص دارد که تداعی کننده به کارگیری و ادغام همه راهبردهای عملیاتی و تاکتیکی در جنگ‌های کلاسیک، نامنظم، ناهم‌تراز، مرکب (به معنای نیروهای چند ملیتی) می‌باشد. این فضا دارای ویژگی‌های دیگری مانند خشنونت، جنگ سایبری، تروریست را نیز به کار گرفته تا به اهداف خود دست یابد.

<sup>۱</sup> جنگ سایبری یکی از ابعاد و ویژگی جنگ ترکیبی است که تمایز سنتی میان جنگ و صلح را به کلی از بین برده است. چنین تمایزی جای خود را به تهدیدات چند وجهی داده که وجه مشترک چندانی به نمونه‌های سابق صلح و جنگ میان کشورها ندارد.



شکل شماره یک: تعریف جنگ ترکیبی و فصل مشترک آن با انواع جنگ

### جنگ سوریه

جنگ سوریه یا به تعبیر رایج جنگ داخلی سوریه از اواخر ژانویه سال ۲۰۱۱ بیشتر از آنچه ماهیتی داخلی داشته باشد، دارای علل و ماهیت ژئوپلیتیکی است پس از وقوع انقلاب‌های عربی و به دنبال تظاهرات و اعتراضات مردمی در برخی از مناطق کشور آغاز و با توجه به شرایط خاص کشور و منطقه و همچنین ملاحظات و مسائل ژئوپلیتیکی (کدها و ژنومها) به یک بحران فرامنطقه‌ای و بلند مدت تبدیل گردیده که تاکنون ادامه دارد.

این بحران با توجه به مداخل ارتش سوریه ابعاد و دامنه وسیع‌تری به خود گرفته و بر عمق جنگ افزوده شد تا جایی که به دولت سوریه تا آستانه سقوط نیز رسید. حضور دولت‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی فراملی، به یکی از پیچیده‌ترین بحران‌ها در جهان تبدیل گردیده است. تعدد بازیگران و حضور هر یک از آنها با حداکثر ظرفیت خود از عوامل بسیار مهمی است که سبب استمرار این جنگ گردیده است. افزون بر استمرار اختلاف میان قدرت‌های بزرگ (به ویژه آمریکا و روسیه)، رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای خصوصاً ایران و عربستان، افزایش اختلافات میان گروهی و گروه‌های معارض و همچنین رشد روز افزون گروه‌های تروریستی و تارشرگی و گسترش قلمرو مناطق تحت کنترل آنها و در نهایت

فرقه‌گرایی و مذهبی شدن بیش از پیش جنگ را طولانی نموده است (شمس دولت‌آبادی و همکار، ۱۳۹۵: ۱۷).

در حال حاضر ماهیت این جنگ با توجه به انطباق الزامات و ویژگی‌های آن با خصوصیات جنگ‌های نسل چهارم، می‌توان گفت این جنگ از انواع جنگ‌های ترکیبی می‌باشد؛ زیرا، ماهیت چند قطبی آن مبنی بر حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، دولتی و غیر دولتی، طولانی شدن و استمرار آن، هدف قرار دادن جمعیت به عنوان میدان و صحنه جنگ، استفاده از مولفه‌های جنگ ترکیبی و تلفیق تاکتیک‌های منظم و نامنظم، ترور، دورغ‌پردازی و استفاده از رسانه و تبلیغات، فرقه‌گرایی و هدف قرار دادن اعتقادات مردم، عملیات و جنگ روانی، حداکثر استفاده از جرم و جنایت و خشنونت به منظور رعب و ایجاد وحشت در نیروهای مدافع و مردم سوریه دارای ابعاد پیچیده‌ای گردیده است. بنابر این علت و چرایی جنگ در سوریه با شناسایی عوامل و کدها ژئوپلیتیک و ژنوم‌های آن بر مدار تقابل و تضاد بازیگران آن قرار دارد.

### یافته‌های پژوهش

#### کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیکی کشور سوریه

اساساً موقعیت، عبارت است از چگونگی قرار گرفتن یک نقطه در روی سطح کره زمین، که خود دارای دو حالت عمومی یا نسبی و ریاضی است؛ موقعیت عمومی شامل مقیاس قاره‌ای و جهانی و یا منطقه‌ای گردیده و در ملاحظات ژئوپلیتیکی از اهمیت بیشتری نسبت به موقعیت ریاضی برخوردار است (عزتی، ۱۳۹۳: ۷۶). با این توضیح سوریه در منطقه آسیایی جنوب غربی (خاورمیانه) بخش عمده شامات قدیم و لوانت را در بر می‌گیرد. این کشور در مجاورت دریای مدیترانه واقع و بخش‌های زیادی از مناطق غربی آن دارای موقعیت ساحلی است. سوریه از شرق با عراق، از جنوب شرق با اردن، از جنوب با فلسطین اشغالی، از جنوب غرب با لبنان و از شمال با ترکیه هم‌مرز است. مرزهای فعلی سوریه پس از فروپاشی عثمانی توسط غربی‌ها طوری ترسیم گردیده است که همواره با همسایگانش دارای اختلافات مرزی باشد. سوریه با توجه به موقعیت جغرافیایی خود که در شرق دریایی مدیترانه واقع است با سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا ارتباط دارد. لذا دارای وزن و موقعیت ژئوپلیتیکی است.

### جمعیت نامتجانس و واگرای قومی و مذهبی

جمعیت سوریه از گروه‌های قومی و مذهبی مختلفی تشکیل شده است که در آن اهل تسنن (سنی عرب و کُرد) در اکثریت قرار دارند. این اقوام که حدود ۷۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند، خود را ساکنان اصلی کشور می‌دانند. علوی‌ها که بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی هستند بین ۱۰ تا ۱۵ درصد جمعیت را شامل می‌شوند و بیشتر در دمشق، حلب، لاذقیه، طرطوس، حمص و حماه ساکن هستند. آن‌ها با نفوذترین گروه در ساختار سیاسی و قدرت سوریه به‌شمار می‌روند و افزون بر خاندان اسد، بسیاری از آنان دارای بالاترین مقامات حزبی، دولتی، نظامی و سرویس‌های امنیتی را در اختیار دارند. ۱۰ درصد از جمعیت سوریه از مسیحیان عرب هستند. به هر حال مباحث قومی و فرهنگی از جمله مسائل حاد در سوریه است که یکی ریشه‌های بحران امروز را تشکیل داده است. این ترکیب ناهمگون از نظر اعتقادی، نژادی و قومی از عوامل واگرای جمعیت محسوب می‌گردد (شمس دولت‌آبادی و همکار، ۱۳۹۴، ۱۸-۱۷).

### چالش ژئوپلیتیکی

چالش ژئوپلیتیکی عبارت است از ایجاد وضعیت برای یک دولت یا کشور بر پایه عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی و متأثر کردن سیاست آن کشور با استفاده از متغیرها و عوامل جغرافیایی (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳، ۱۲۱). ویژگی و مسائل سوریه ماهیتی چالش برانگیز و بین‌المللی داشته است. رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های جهانی که منجر به فروپاشی عثمانی گردید، اگرچه موجب به وجود آمدن سوریه امروزی شد اما این کشور را از همان آغاز تأسیس با چالش‌های متعدد روبرو ساخت. این کشور بعد از عثمانی تحت قیومیت فرانسه بود. سیاست‌های استعماری و قلمروخواهانه غرب سبب شکل‌گیری رژیم جعلی صهیونیستی گردید و از همان ابتدا تضادهای سوریه با این رژیم شکل گرفت. حضور سوریه در جنگ‌های اعراب و اسرائیل نیز سبب اشغال مناطقی از این کشور در بلندهای جولان و کشتزارهای شبعاً گردید. از سوی دیگر لبنان مکمل ژئوپلیتیکی سوریه است و این کشور یک واحد همبسته جغرافیایی را تشکیل می‌دهند که تحولات آن‌ها همواره بر یکدیگر اثرگذار بوده و برابر سوابق تاریخی سوریه بر لبنان ادعای سرزمینی دارد. این کشور علاوه بر این با ترکیه نیز دارای اختلاف سرزمینی است. ادعای سرزمینی سوریه بر استان علوی نشین هاتای به مرکزیت اسکندرون در ترکیه همواره منشأ مشاجره و اختلاف میان دو کشور بوده است. با کشف میادین گاز در سواحل دریای مدیترانه نیز

اختلاف میان سوریه، لبنان و رژیم صهیونیستی برای مالکیت این میادین نیز تشدید گردیده است (شمس دولت‌آبادی و همکار، ۱۳۹۵، ۲۰-۱۹).

### قطب‌بندی ژئوپلیتیکی بین‌المللی

سوریه پس از به قدرت رسیدن حافظ اسد در ۱۹۷۰م/متحد شوروی در منطقه بود. نزدیکی سوریه به شوروی در زمانی بود که کشورهای منطقه اکثراً به سمت غرب تمایل داشتند. هدف سوریه از نزدیکی به شوروی سابق افزون بر کمک‌های تسلیحاتی و اقتصادی، مساعدت شوروی در تقابل با رژیم صهیونیستی بود. سوریه قبل از انقلاب در ایران با وجود قرار داشتن ایران در بلوک غرب از روابط مناسبی با ایران نیز برخوردار بود (مهتدی، ۱۳۹۱). با شکست اعراب در جنگ با رژیم صهیونیستی و امضای قرارداد کمپ دیوید، سوریه به میدان‌دار اصلی تقابل با اسرائیل در جهان عرب تبدیل شد و تلاش کرد خود را پیشگام و قهرمان مبارزه برای باز پس‌گیری سرزمین‌های عربی و اسلامی معرفی کند و همین موضوع سبب ناخرسندی کشورهای بزرگ جهان عرب یعنی مصر، عربستان و عراق گردید. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران سوریه که با برخی از انقلابیون روابط دوستانه‌ای داشت فرصت را مناسب شمرده و به تعمیق روابط دوجانبه با ایران پرداخت. تغییر دیدگاه ایران نسبت به رژیم صهیونیستی و مسئله فلسطین در تقویت روابط بین دو کشور بسیار مؤثر بود. خصوصاً که در طول سال‌های جنگ ایران و عراق سوریه با جانبداری از ایران و پشت کردن به اعراب که از حامیان صدام بودند، روابط ایران و سوریه را به روابطی راهبردی تبدیل کرد.

### دولت سوریه

سوریه نیز مانند بسیاری از کشورها و دولت‌ها دارای مشکلات عدیده زیرساختی در حوزه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. مشارکت و در اختیار داشتن مشاغل کلیدی سیاسی، اقتصادی و نظامی علویان در سوریه شاید یکی از عللی بود که مردم سوریه به دنبال انقلاب در سایر کشورهای عربی را تحریک نمود. شاید اصلاحات سیاسی زردتر و به هنگام بشار اسد، می‌توانست افزون بر رفع بهانه‌ها و اتهامات حقوق بشری موجب جلب رضایت بیشتر مردم سوریه و مخالفان را فراهم آورد (مصطفوی، ۱۳۹۲: ۱۸۲). اما بی شک بحران موجود در آن معلول معادلات و مناسبات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است تا اینکه از مشکلات سیاسی داخلی سرچشمه گرفته باشد.

## رقابت‌های بازیگران جنگ در سوریه

با توجه به ماهیت و هدف اول پژوهش مبنی بر شناسایی گدھا و ژنوم‌های ژئوپلیتیکی مؤثر در بروز و استمرار جنگ در سوریه و تعدد بازیگران در این روند، کنش‌های بازیگران در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است.

### الف - سطح داخلی

#### گروه‌های اسلام‌گرای و سلفی و کُردها

نقش بارز گروه‌های مذهبی در سوریه یکی از ویژگی‌های این جنگ است. این امر از آنجا ناشی می‌شود که اساساً سیاست در سوریه واکنشی به لائیک‌بعثی دارد. گروه‌های مذهبی سنی در سوریه از این جهت که نظام سیاسی حاکم بر کشور نظامی سکولار است و به ارزش‌های اسلامی پایبندی ندارد، آنرا فاقد صلاحیت می‌دانند (شمس دولت‌آبادی و همکار، ۱۳۹۵: ۲۴). کردها نیز بخش دیگری از معارضان دولت سوریه هستند که با اتخاذ بی‌طرفی در جنگ سوریه در پی خود مختاری مناطق کُردنشین هستند.

#### گروه‌های سکولار و ملی‌گر

کمیته هماهنگی ملی سوریه که ائتلافی از گروه‌های چپگرا، سکولار و کُرد است، به عنوان مهمترین طیف معارضان داخلی سوریه به‌شمار می‌رود (میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۳: ۵۵۸). این کمیته مخالف جنگ و اقدام نظامی است؛ اما ارتش آزاد سوریه به عنوان نخستین گروه منسجمی که به سوریه اعلام جنگ داد بازوی نظامی ائتلاف ملی سوریه است. این ائتلاف سوریه را کشوری عربی می‌دانند که اسیر مدیریت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی (ایران و روسیه) است. از این‌رو با رویکردی ناسیونالیستی که البته با قدرت هم عجین است در پی سرنگونی بشاراسد هستند.

### ب - رقابت‌های بازیگران منطقه‌ای

#### جمهوری اسلامی ایران

پیوندهای راهبردی ج.ا.ایران و سوریه، جایگاه سوریه در محور مقاومت و سیاست خاورمیانه‌ای جمهوری اسلامی و رقباتی منطقه‌ای و مخالفان غربیان، کلید فهم سیاست ایران در مواجهه با بحران و استمرار حمایت از نظام سیاسی حاکم بر این کشور و شخص بشار اسد است. بنیادهای سیاست سرنگونی بشار اسد و تغییر نظام سیاسی سوریه، در سیاست خاورمیانه‌ای غرب و رقابت‌های ژئوپلیتیکی بازیگران منطقه نهفته است. غرب درصدد است با تغییر رژیم در سوریه، متحد راهبردی ایران در منطقه را سرنگون و امکان ارتباط ایران با حزب الله را محدود کرده و



حتی از بین ببرد. و از طرفی سرنگونی بشار اسد، سبب کاهش وزن ژئوپلیتیکی ایران در منطقه نیز خواهد شد، چرا که جانشین احتمالی او متحدان و وابستگان به غرب و رقبای منطقه‌ای ایران به‌ویژه عربستان خواهد بود (همان: ۵۶۲).

### عربستان سعودی

عربستان در حال حاضر مهمترین بازیگر منطقه‌ای حامی معارضان سوری است. این کشور علاوه بر تأمین بخش زیادی از منابع مالی و به ویژه تسلیحاتی گروه‌های تروریستی و مسلح را بر عهده دارد. عربستان تاکنون تلاش‌های زیادی برای ترغیب شورای امنیت جهت تصویب مداخله نظامی در سوریه انجام داده است. از طرفی عربستان نفوذ بسیار زیادی بر گروه‌های تکفیری و تروریستی در سوریه دارد.

### ترکیه

ترکیه از آغاز بحران سوریه یکی از مخالفان اسد و از حامیان اصلی معارضان سوری است. ترکیه درصدد بود با استفاده از ظرفیت‌های ناشی از انقلاب‌های کشورهای عربی، نفوذ خود را در منطقه افزایش دهد و از رخدادهای منطقه به‌مثابه فرصتی برای رهبری استفاده کند. در بسیاری از انقلاب‌های عربی، ترکیه حامی اسلام‌گرایان اخوانی داشته است. در سوریه نیز افزون بر موارد یادشده، این کشور درصدد بود با تضعیف دولت سوریه، نفوذ خود را در این کشور همسایه گسترش داده و از این طریق، ضمن به قدرت رسیدن همفکران و هم‌پیمانان خود، وزن ژئوپلیتیکی خود را افزایش دهد. و از طرفی سرنگونی بشار اسد ادعای سوریه بر استان‌های را نیز کم‌رنگ می‌کرد و همچنین سبب تقویت پیوندهای ترکیه با غرب می‌گردید؛ بنابر این ترکیه ضمن ملاحظات آشکار در سوریه نقش بسیار زیادی در ترانزیت تروریست به داخل سوریه دارد (شمس دولت‌آبادی، ۱۳۹۵).

### رژیم صهیونیستی

این رژیم دارای منافع چندگانه در جنگ سوریه است. بهترین وضعیت برای رژیم صهیونیستی، سوریه‌ای ضعیف، غیر مسلح به سلاح‌های راهبردی و با دولتی لیبرال و غرب‌گرا است. تضعیف دولت سوریه و کاهش قدرت مانور آن به رژیم صهیونیستی این امکان را می‌دهد که با سهولت بیشتری بتواند مانع انتقال کمک‌های ایران به حزب‌الله شود و در عین حال، تهدیدات سوریه نسبت به خود و سرزمین‌های اشغالی جولان را از بین ببرد. افزون بر قطع مسیر تدارکاتی حزب‌الله و ترس از سلاح‌های سوریه که اکنون تا حدود زیادی رفع شده است، وضعیت جولان مهمترین دغدغه این رژیم است از همین رو، به دنبال هر چه ضعیف‌تر شدن سوریه بوده تا

حتی در صورت روی کار آمدن دولت جدید که امکان طرح موضوع جولان و تلاش برای بازپس‌گیری آن مرتفع شود، زیرا جولان منطقه‌ای حیاتی برای رژیم صهیونیستی به‌شمار می‌رود؛ این اهمیت از آجا ناشی می‌شود که حدود ۳۵ شهرک صهیونیستی در جولان و ثلث آب شرب و همچنین صنایع فراوانی در این منطقه قرار دارد و از طرفی جولان راهبردی‌ترین سرزمین در اشغال قلمداد می‌شود (موسوی، ۱۳۸۸، ۱۵۵-۱۵۴).

### عراق

عراق در حال حاضر با توجه همه بحران‌هایی که دارد با شدت کمتری نسبت به سوریه به عنوان محور مقاومت محسوب می‌شود و از این منظر دولت عراق به‌عنوان یکی از حامیان نظام سوریه عمل می‌کند. حمایت سیاسی و رسانه‌ای از نظام سوریه در اتحادیه عرب و سفارت سوریه در قطر به مخالفان و حمله به معارضان مسلحی که گذرگاه‌های مرزی سوریه در مرز عراق را به تصرف در آوردن، از جمله اقداماتی بود که توسط عراق در حمایت از نظام سوریه انجام گردید. اما عامل جغرافیایی و مجاورت عراق با سوریه و بحران ناشی از داعش در خاک این کشور نگرانی‌های زیادی را برای عراق به وجود آورده است زیرا در صورت پیروزی گروه‌های تکفیری در سوریه، عراق اولین و محتمل‌ترین گزینه برای آن‌هاست.

### حزب‌الله لبنان

اتحاد و همسویی ایران و حزب‌الله سبب شده است تا تمامی کنش‌های منطقه‌ای حزب‌الله در قالب سیاست خارجی ایران معنا پیدا کند. حمایت‌های همه‌جانبه ایران از حزب‌الله سبب شده است ایران از نفوذ و اثرگذاری قابل ملاحظه‌ای بر حزب‌الله برخوردار گردد که یکی از دلایل ورود اشکار حزب‌الله به بحران سوریه نیز همین است. از سوی دیگر به لحاظ اینکه سوریه و لبنان واحد همبسته ژئوپلیتیکی هستند، هر گونه تغییر در عرضه داخلی سوریه، عرصه داخلی لبنان را نیز دستخوش تغییر می‌کند و بدیهی است با حذف بشار اسد و نظام سوریه، امکان فشار بر حزب‌الله بیش از پیش افزایش می‌یابد. ورود حزب‌الله به سوریه سبب تغییر در صحنه عملیاتی و میدانی در جنگ سوریه گردیده است و نخستین پیروزی ارتش سوریه پس از شکست‌های پی در پی که در شهر راهبردی القصر رخ داد با حضور حزب‌الله میسر گردید (شمس‌آبادی، ۱۳۹۵).

### قطر

این کشور بخشی از منابع مالی مخالفان و معارضان سوری را تأمین می‌کند و علاوه بر این از شبکه الجزیره به مانند تریبونی برای حمایت مخالفان بشار اسد استفاده می‌کند. اما با توجه به

کاهش نقش این کشور در اتحادیه کشورهای عرب، قطر هنوز با تسطیح گروه‌های تروریستی و حمایت مالی از ارتش آزاد سوریه همچنان دارای نقش پر رنگی در استمرار بحران در سوریه است.

#### گروه‌های غیر دولتی تروریستی و تارشرگی (داعش)

امروز قطعاً تهدیدات ناشی از ناپایداری عمومی در جنوب غربی آسیا (خاورمیانه) نتیجه ظهور گروه‌های مسلح غیر دولتی، به ویژه داعش است. بسیاری بر این عقیده هستند که ظهور داعش محصول قطبی شدن ایدئولوژیک و اجتماعی شدن آن در عراق و سوریه است. این گروه خود را حامی اعراب سنی به حاشیه رانده شده دانسته که به دنبال جایگزینی رژیم‌های فرقه‌ای با خلافت اسلامی است. داعش بر مبنای تفکرات تکفیری و خود ساخته تشکیلاتی، تلاش دارد ضد ارزش‌های مورد نظر خود را به عنوان هنجارهای دینی در عراق و شام حاکم نماید. شرط لازم برای این اقدام از نگاه داعش، رواج اندیشه‌های جزم‌گرایانه تکفیری بر مبنای برداشت‌های گروه‌های متحجر اسلام‌گرایی ارتجاعی همچون طالبان است. کافر دانستن شیعیان، تاکید بر استفاده از شمشیر (قدرت سخت) برای اجرای عدالت، بخشی از مبانی این گروه را تشکیل می‌دهد (ساوه دورودی، ۱۳۹۳).

توانایی داعش در بسیج و تسهیل اهداف خود در ماه ژوئن سال ۲۰۱۴ که از صحرای سوریه اقدام به پیشروی و تصرف زمین‌های زیادی در عراق کرد آشکار می‌شود. اگر ابوبکر البغدادی، سرکرده داعش حمایت قبائل ناراضی سنی این مناطق را نداشت این امر ممکن نبود. این گروه در واقع ادامه القاعده در عراق است که پس از تهاجم سال ۲۰۰۳ نیروهای آمریکا به عراق اقدام به شورش مرگ‌باری بر علیه آن انجام داد. اما به طور کلی اهداف این گروه و سایر گروه‌های تارشرگی عمدتاً منطقه‌ای بوده و متشکل از تغییر ساختار سیاسی و سرزمینی است. داعش در ۲۹ ژوئن سال ۲۰۱۴ تشکیل خلافت اسلامی را اعلام کرد و نام دولت اسلامی شام - عراق را به دولت اسلامی تغییر داد که هدف اصلی این تغییر نام، گسترش خلافت اسلامی با اشغال سرزمین‌های بیشتری را نشان می‌دهد.

این گروه تروریستی را می‌توان به دلیل توانایی بالای خود در کاربرد راه‌کنش‌های متعدد از تروریستی تا متعارف و شبکه‌های جذب جهانی نیرو و نیز هزاران عضو آرمان‌خواه، تهدیدی ترکیبی دانست. داعش توانایی تقریباً بی‌نظیری به‌مثابه یک بازیگر غیر دولتی برای استفاده مؤثر از جنگ اطلاعاتی دارد. فیلم‌های تبلیغاتی حرفه‌ای از نمایش اهداف، برجسته‌سازی اعضا و ایفای نقش قدرتمند جذب نیرو در سطح جهانی و استفاده از شبکه‌های رسانه‌های جمعی به خوبی سود می‌جوید.

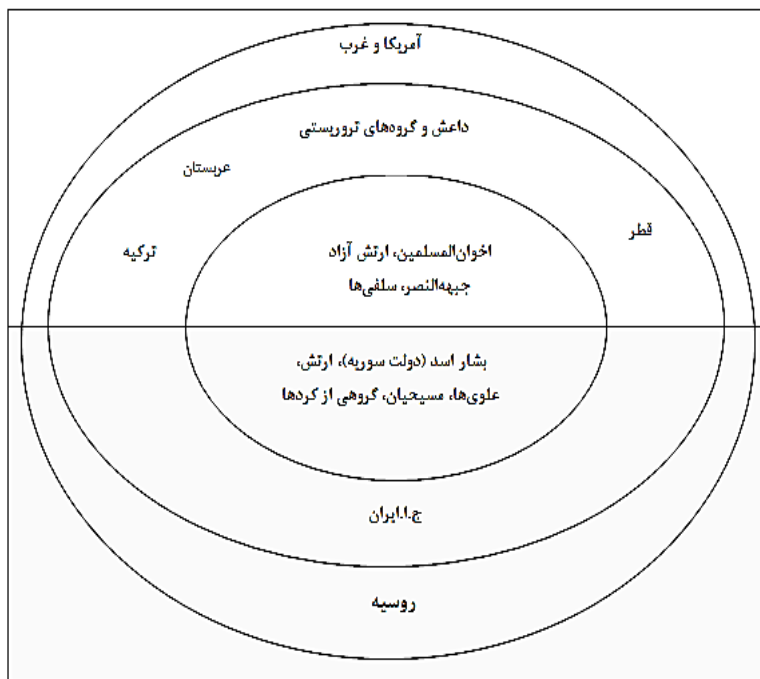
### ج - بازیگران فرامنطقه‌ای (بین‌المللی) آمریکا و غرب

محوریت بازیگران در جنگ سوریه با ایالات متحده آمریکا است و همچنین منابع و دغدغه‌های این کشور در بحران سوریه با غرب تا حدود زیادی همسو می‌باشد. برای آمریکا سرنگونی بشار اسد به معنی امنیت کامل برای رژیم صهیونیستی در منطقه، و قطع محور مقاومت و تضعیف ج.ا.ایران است. آمریکا و غرب در راستای این هدف بر حمایت سیاسی و اقتصادی از مخالفان سیاسی خارج نشین نظام سوریه و همچنین کمک‌های نظامی فراوانی را به ارتش آزاد سوریه کرده است. اگرچه قدرت گرفتن گروه‌های تروریستی در سوریه عامل مهمی در دلسردی غرب از ارائه حمایت نظامی قابل توجه به مخالفان مسلح اسد شد، اما بحران اوکراین و تقابل روسیه و غرب موضوع را تشدید کرده و غرب تاکنون سلاح‌های سنگین‌تری را در اختیار ارتش آزاد سوریه قرار داده است (شمس آبادی و همکار، ۱۳۹۴: ۳۸-۳۷).

### روسیه

روسیه مهمترین حامی فرامنطقه‌ای نظام سوریه است و بحران نمونه گویایی از بازی قدرت روسیه در عرصه بین‌المللی است (مسعودی، ۱۳۹۲: ۲). این کشور در یک رقابت آشکار با غرب و تحرکات دیپلماتیک و سرسختی مانع دخالت نظامی در سوریه شده است. روسیه در مناطق ساحلی سوریه از جمله طرطوس پایگاه نظامی دارد و سوریه آخرین سنگر به جا مانده از دوران جنگ سرد برای روسیه است. سرنگونی نظام سیاسی حاکم بر سوریه، سبب سوق دادن آن به سوی غرب خواهد شد. این امر دست روس‌ها را خاورمیانه کوتاه می‌کند، نزدیکی جغرافیایی منطقه خاورمیانه به مرزهای روسیه، بر اهمیت این منطقه حساس در محاسبات راهبردی روسیه می‌افزاید (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۳۷).

روسیه همچنین نگران بی‌ثباتی ناشی از عملکرد گروه‌های تروریستی در ایجاد ناامنی در مناطق جنوبی خود است. روسیه پس از رایزنی گسترده با سوریه و آمریکا، این کشور را به پیوستن به پیمان بین‌المللی منع گسترش تسلیحات شیمیایی و در نتیجه، انهدام سلاح‌های شیمیایی خود ترغیب کرد. این امر از حمله نظامی به سوریه که احتمالاً به سرنگونی بشار اسد و پایان جنگ سوریه می‌انجامید، جلوگیری کرد. جلوگیری از مداخله مستقیم نظامی در سوریه در زمانی که از یک سو معارضان مورد حمایت غرب در برابر ارتش سوریه شکست‌هایی را متحمل شده بودند و از سوی دیگر، مناطق تحت کنترل آن‌ها به وسیله جبهه‌النصر و گروه‌های اسلام‌گرا و تکفیری تصرف شده بود، سبب احیای مجدد قدرت ارتش سوریه شد و این موضوع در عمل سبب استمرار جنگ گردید (شمس آبادی و همکار، ۱۳۹۴: ۳۶).



شکل شماره ۲) سطوح کنشگران و بازیگران داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جنگ سوریه به طور خلاصه مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش در بخش کیفی را در جدول شماره یک خلاصه و ارائه نمود؛ این یافته‌ها بدون تعیین اولویت می‌باشند:

جدول شماره ۱: گدھا و ژنوم‌های شناسایی شده

| ردیف | عنوان                                     | گدھا و ژنوم‌ها | ملاحظات                            |
|------|---|----------------|------------------------------------|
| ۱    | موقعیت جغرافیایی و اهمیت ژئوپلیتیکی سوریه | ژنوم           | دارای موقعیت و وزن ژئوپلیتیکی      |
| ۲    | جمعیت نامتجانس و واگری‌های قومی و مذهبی   | ژنوم           | سنی‌ها، علویان، مسیحیت، گدھا و ... |
| ۳    | چالش‌های ژئوپلیتیکی سوریه                 | گد             | اختلافات مرزی با همسایگان          |
| ۴    | قطب‌بندی ژئوپلیتیکی بین‌المللی            | گد             | تمایل به روسیه                     |
| ۵    | حاکمیت و دولت سوریه                       | ژنوم           | از دست رفتن مقبولیت بشار اسد       |
| ۶    | بازیگران داخلی                            | ژنوم           | ارتش سوریه، ارتش آزاد، داعش و ...  |
| ۷    | بازیگران منطقه‌ای                         | گد             | ایران، عربستان سعودی، ترکیه و ...  |
| ۸    | بازیگران فرامنطقه‌ای                      | گد             | آمریکا و غرب - روسیه               |
| ۹    | داعش و گروه‌های تروریستی                  | گد             | خشنونت و استفاده وسیع از رسانه     |

### یافته‌های کمی پژوهش و تحلیل آن

جنگ سوریه عرصه نبرد بازیگران مختلف دولتی و غیر دولتی گردیده است؛ به طوری که این بازیگران با اتکاء به اتواع شیوه‌ها و روش‌های جنگی توأم با خشونت و استفاده حداکثری از رسانه‌ها و تبلیغات تلاش دارند علائق ایدئولوژیک، سیاسی و ژئوپلیتیکی خود را به سرانجام رساند و اراده را بر طرف مقابل تحمیل نمایند. این علائق در تعامل و تقابل با یکدیگر صحنه جنگ سوریه را بسیار پیچیده کرده که می‌توان از آن به عنوان جنگ ترکیبی یاد کرد. لذا با توجه به هدف این پژوهش مبنی بر شناسایی گدھا و ژنوم‌های مؤثر بر ایجاد جنگ در سوریه و استمرار آن، آنچه بیان گردید به خوبی نشان دهنده ماهیت ژئوپلیتیکی و رقابت بین بازیگران متعدد آن را به خوبی نشان داده است؛ این گدھا و ژنوم‌ها به شرح نه عامل عمده طی جدول شماره یک - بدون تعیین اولویت آن‌ها خلاصه و بیان گردیده است. لذا همانگونه که بیان گردید اولویت‌بندی گدھا و ژنوم‌های شناسایی شده نیز با استفاده از روش و رویکرد تاپسیس که از زیر مجموعه‌های روش تصمیم‌گیری چند معیاره است، به شرح زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

### تهیه و تدوین پرسشنامه تاپسیس

طراحی پرسشنامه برای تکنیک تاپسیس به مفهوم ماتریس تصمیم بر می‌گردد. ماتریس تصمیم به ماتریس ارزیابی  $m$  گزینه براساس  $n$  معیار گفته می‌شود. در این ماتریس به هر گزینه براساس تک تک معیارها امتیازی داده می‌شود. این امتیاز می‌تواند یک داده واقعی باشد یا براساس طیف لیکرت و ارزیابی کیفی انجام شود. در این پژوهش با توجه به معیارهای شناسایی شده پرسشنامه‌ای حاوی ۸ گزینه با معیارهای کیفی و اوزانی بر اساس طیف لیکرت به شرح جدول شماره دو ایجاد گردیده است.

### تشکیل ماتریس تصمیم

ماتریس تصمیم بر اساس نتایج و پارامترهای استخراج شده از پرسشنامه تاپسیس تشکیل گردیده است. داده‌های وروری به نرم‌افزار تاپسیس عبارتند از: ماتریس یا الگورتیم تصمیم‌گیری؛ معیارها؛ بردار وزن‌دهی به معیارها. در تکنیک تاپسیس با استفاده از  $n$  معیار به ارزیابی  $m$  گزینه پرداخته می‌شود. بنابراین به هر گزینه براساس هر معیار امتیازی داده می‌شود. این امتیازات می‌تواند براساس مقادیر کمی و واقعی باشد یا اینکه کیفی و نظری باشد. در هر صورت باید یک ماتریس تصمیم  $m \times n$  در تشکیل شود. ماتریس تصمیم در نگاره شماره یک (خروجی

نرم‌افزار تاپسیس) آمده است (مؤمنی و شریفی سلیم، ۱۳۹۳). این ماتریس شامل ۵ معیار و ۹ گزینه است

جدول ۱: ماتریس تصمیم بر اساس داده‌های پرسشنامه‌ای

| عنوان مسئله              | جنگ ترکیبی سوریه | تعداد گزینه | ۹     | تعداد معیار | ۵     |
|--------------------------|------------------|-------------|-------|-------------|-------|
| وزن معیارها              | ۱                | ۲           | ۳     | ۴           | ۵     |
| ماتریس تصمیم             | $C_1$            | $C_2$       | $C_3$ | $C_4$       | $C_5$ |
| اهمیت ژئوپلیتیک سوریه    | ۱                | ۷           | ۱۰    | ۸           | ۹     |
| جمعیت ملت‌نژاد و واگرا   | ۳                | ۷           | ۸     | ۹           | ۸     |
| چالش‌های ژئوپلیتیکی      | ۵                | ۷           | ۸     | ۶           | ۹     |
| تغلب‌پذیری ژئوپلیتیکی    | ۴                | ۸           | ۷     | ۹           | ۹     |
| دولت سوریه               | ۴                | ۷           | ۶     | ۸           | ۱۰    |
| بازنگری داخلی            | ۷                | ۵           | ۵     | ۹           | ۹     |
| رژیم‌های منطقه‌ای        | ۳                | ۶           | ۸     | ۸           | ۱۰    |
| رژیم‌های فرامنطقه‌ای     | ۰                | ۸           | ۷     | ۸           | ۱۲    |
| داعش و گروه‌های تروریستی | ۰                | ۷           | ۱۰    | ۸           | ۱۰    |

### نرمال کردن ماتریس تصمیم

برای نرمال‌سازی مقادیر از روش برداری استفاده می‌شود. ماتریس نرمال شده پژوهش حاضر بر اساس خروجی نرم‌افزار تاپسیس به شرح نگاره شماره ۲ می‌باشد.<sup>۱</sup>

نگاره شماره ۲: ماتریس نرمال شده

| ماتریس نرمال             | $C_1$ | $C_2$ | $C_3$ | $C_4$ | $C_5$ |
|--------------------------|-------|-------|-------|-------|-------|
| اهمیت ژئوپلیتیک سوریه    | ۰/۰۸۹ | ۰/۳۳۶ | ۰/۴۲۶ | ۰/۳۲۷ | ۰/۳۱۲ |
| جمعیت ملت‌نژاد و واگرا   | ۰/۲۶۸ | ۰/۳۳۶ | ۰/۳۴۱ | ۰/۳۶۸ | ۰/۲۷۷ |
| چالش‌های ژئوپلیتیکی      | ۰/۴۴۷ | ۰/۳۳۶ | ۰/۳۴۱ | ۰/۲۴۵ | ۰/۳۱۲ |
| تغلب‌پذیری ژئوپلیتیکی    | ۰/۳۵۸ | ۰/۳۸۴ | ۰/۲۹۸ | ۰/۳۶۸ | ۰/۳۱۲ |
| دولت سوریه               | ۰/۳۵۸ | ۰/۳۳۶ | ۰/۲۵۶ | ۰/۳۲۷ | ۰/۳۴۷ |
| بازنگری داخلی            | ۰/۶۲۶ | ۰/۲۴  | ۰/۲۱۳ | ۰/۳۶۸ | ۰/۳۱۲ |
| رژیم‌های منطقه‌ای        | ۰/۲۶۸ | ۰/۲۸۸ | ۰/۳۴۱ | ۰/۳۲۷ | ۰/۳۴۷ |
| رژیم‌های فرامنطقه‌ای     | ۰     | ۰/۳۸۴ | ۰/۲۹۸ | ۰/۳۲۷ | ۰/۴۱۶ |
| داعش و گروه‌های تروریستی | ۰     | ۰/۳۳۶ | ۰/۴۲۶ | ۰/۳۲۷ | ۰/۳۴۷ |

## تشکیل ماتریس تصمیم نرمال موزون

گام بعدی تشکیل ماتریس نرمال موزون براساس وزن معیارها است. در نرم افزار تاپسیس برای موزون کردن کردن ماتریس نرمال شده دو روش وزندهی دستی و اتوماتیک بر اساس وزندهی شانون ایجاد گردیده است. در این پژوهش با توجه به اینکه بعضی از مقادیر ماتریس تصمیم معادل صفر می باشد، در وزندهی به معیارها از روش دستی استفاده شده است.

نگاره شماره ۲: ماتریس تصمیم نرمال شده موزون

| C <sub>۵</sub> | C <sub>۴</sub> | C <sub>۳</sub> | C <sub>۲</sub> | C <sub>۱</sub> | ماتریس نرمال موزون       |
|----------------|----------------|----------------|----------------|----------------|--------------------------|
| ۱/۵۶           | ۱/۳۰۸          | ۱/۲۷۸          | ۰/۶۷۲          | ۰/۰۸۹          | اهمیت ژئوپلیتیک سوریه    |
| ۱/۳۸۵          | ۱/۴۷۲          | ۱/۰۲۳          | ۰/۶۷۲          | ۰/۲۶۸          | جمعیت نامتجانس و واگرا   |
| ۱/۵۶           | ۰/۹۸           | ۱/۰۲۳          | ۰/۶۷۲          | ۰/۴۴۷          | چالش های ژئوپلیتیکی      |
| ۱/۵۶           | ۱/۴۷۲          | ۰/۸۹۴          | ۰/۷۶۸          | ۰/۳۵۸          | قطب بندی ژئوپلیتیکی      |
| ۱/۷۳۵          | ۱/۳۰۸          | ۰/۷۶۸          | ۰/۶۷۲          | ۰/۳۵۸          | دولت سوریه               |
| ۱/۵۶           | ۱/۴۷۲          | ۰/۶۳۹          | ۰/۴۸           | ۰/۶۲۶          | بازنگران داخلی           |
| ۱/۷۳۵          | ۱/۳۰۸          | ۱/۰۲۳          | ۰/۵۷۶          | ۰/۲۶۸          | رقابت های منطقه ای       |
| ۲/۰۸           | ۱/۳۰۸          | ۰/۸۹۴          | ۰/۷۶۸          | ۰              | رقابت های فرامنطقه ای    |
| ۱/۷۳۵          | ۱/۳۰۸          | ۱/۲۷۸          | ۰/۶۷۲          | ۰              | داعش و گروه های تروریستی |

## اولویت بندی گزینه های شکل گیری و استمرار جنگ ترکیبی در سوریه

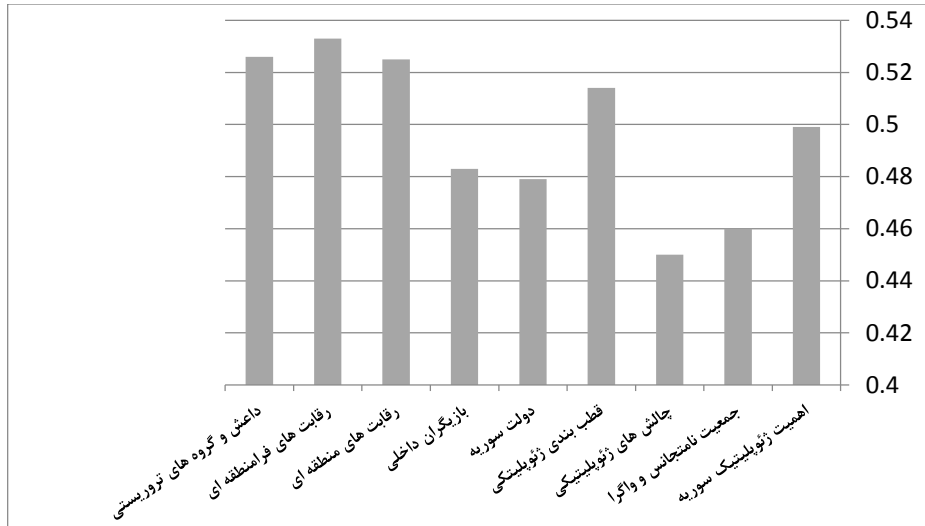
در تجزیه و تحلیل داده های کیفی مرحله بعدی محاسبه و تشکیل ماتریس ایده آل های مثبت و منفی است، لذا با توجه به اینکه در این پژوهش کلیه شاخص ها دارای بار مثبت هستند از آوردن ماتریس ایده آل های منفی و مثبت خودداری گردیده و همانگونه که در جدول شماره و نمودار ستونی شماره ۱، ملاحظه می گردد کدها و ژنوم های ژئوپلیتیک مؤثر بر شکل گیری جنگ ترکیبی اولویت بندی و میزان نقش هر یک بر اساس داده های پرسشنامه ای محاسبه و مقایسه گردیده است.

جدول شماره اولویت بندی نهایی کدها و ژنوم های ژئوپلیتیک مؤثر بر شکلگیری جنگ ترکیبی در سوریه

| گزینه ها                 | رتبه | ملاحظات  |
|--------------------------|------|--|
| رقابت های فرامنطقه ای    | ۱    | رقابت میان آمریکا و روسیه  |
| داعش و گروه های تروریستی | ۲    | جرم و جنایت و استفاده وسیع از رسله و جنگ سایبری  |
| رقابت های منطقه ای       | ۳    | رقابت میان کشورهای عربی به سرگردگی عربستان با ایران  |
| قطب بندی ژئوپلیتیکی      | ۴    | ملند جنگ سرد   |
| اهمیت ژئوپلیتیک سوریه    | ۵    | قرار گرفتن در یک موقعیت بحری، کشف منبع نفتی و گازی و همچنین محل اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا |
| بازنگران داخلی           | ۶    | شورش، کردهای معترض سنی، اسلامگرایان سلفی و جبهه النصر، ارتش آزادیبخش                               |
| دولت سوریه               | ۷    | عدم توانایی در مدیریت بحران اولیه و از بین رفتن مقبولیت  |
| جمعیت نامتجانس و واگرا   | ۸    | کنردها، اعراب علوی ها مسیحیچیان و -  |
| چالش های ژئوپلیتیکی      | ۹    | اختلافات مرزی با همسایگان و -  |



نمودار شماره ۱: مقایسه گدھا و ژنوم‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر شکل‌گیری و استمرار جنگ ترکیبی در سوریه



### نتیجه‌گیری

با گذشت زمان بحران سوریه به یکی از پیچیده‌ترین جنگ‌ها و چالش‌های امنیتی برای منطقه و امنیت بین‌المللی تبدیل شده است که از آن تحت عنوان جنگ ترکیبی یاد می‌کنند. از این‌رو در این پژوهش علاوه بر بیان و تشریح پولومولوژی جنگ ترکیبی و انطباق آن با جنگ سوریه به عنوان یک مصداق کامل از جنگ ترکیبی با همه ویژگی‌های آن تلاش گردید. این جنگ به عنوان راه‌کنش جدیدی از تهدیدات چندوجهی ناشی از چالش عمیق ژئوپلیتیکی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین تلاش گردید نسبت به شناسایی و تعیین گدھا و ژنوم‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر شکل‌گیری و استمرار جنگ سوریه و اولویت‌بندی آن‌ها نیز اقدام گردد. چرا که محیط امنیتی هر اجتماعی، تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی و خارجی آن است. لذا همچنان که در بخش‌های مختلف پژوهش بیان گردید، این گدھا و ژنوم‌ها را می‌توان به طور کلی در ۹ مولفه اصلی خلاصه و دسته‌بندی کرد.

یافته‌های پژوهش دال بر این گواه است که هر چند عواملی مانند دموکراسی خواهی از سوی بازیگران داخلی با تحولات مشابه در سایر کشورهای عربی، علت آغاز بحران در سوریه بوده است، اما رقابت میان بازیگران فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای، وجود داعش و گروه‌های سلفی، از میان رفتن مقبولیت حاکمیت بشار اسد به عنوان دولت یک ملت واحد و عدم توانایی اولیه در مدیریت بحران، قطب‌بندی‌های بین‌المللی پس از جنگ سرد و وجود چالش‌ها و بحران‌های ژئوپلیتیکی سوریه با همسایگانش از مهمترین عوامل شکل‌گیری و استمرار این جنگ می‌باشد.

در این میان رقابت‌های ایالات متحده آمریکا با همراهی کشورهای غربی از یک طرف و روسیه از طرف دیگر که در قالب حفظ منافع و قطب‌بندی‌های ژئوپلیتیکی پس از جنگ سرد شکل گرفته است و امروز تحت عنوان مسائل ژئوپلیتیک جدید به رقابتی میان این قدرت‌ها تبدیل و به شکل جنگی نیابتی بروز نموده است، به عنوان مهمترین عامل شکل‌گیری و تداوم جنگ سوریه محاسبه و بیان گردیده است. زیرا از این منظر ایالات متحده آمریکا به علت رقابت‌های ژئوپلیتیکی و حفظ منافع خود در منطقه خاورمیانه با راهبرد بحران‌سازی خصوصاً در عراق و سوریه تلاش می‌کند به اهدافش دست یابد. آنچه مسلم است اینکه در بررسی جنگ سوریه و علل آن می‌توان به خوبی به این نتیجه رسید که علی‌رغم فروکش کردن جنگ سرد میان غرب و شرق، رقابت میان روسیه و ایالات متحده آمریکا همچنان ادامه دارد. روسیه در دوران پوتین میل فزاینده‌ای برای بازگشت به مرزهای گذشته از خود نشان می‌دهد؛ همچنانکه در بحران اوکراین نیز مشاهده آن بودیم. از این رو عقب‌نشینی این کشور از سوریه به عنوان پایگاه و متحد راهبردی در جهان عرب بسیار دشوار است و با تشدید جنگ و حمایت‌های آمریکا و غرب از گروه‌های مخالف بشار اسد، رفتار روسیه در قبال حمایت از سوریه بیش از پیش نظامی خواهد شد و بر ابعاد بحران خواهد افزود.

علاوه بر این موضوع، رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای نیز از عواملی است که منجر به استمرار جنگ در سوریه گردیده است. در ارتباط با بازیگران منطقه‌ای و رقابتی که میان آن‌ها وجود دارد، باید گفت یکی دیگر از شاخص‌های استمرار بحران در سوریه از یک مثلث ژئوپلیتیکی مرکب از عربستان سعودی، ج.ا.ایران و ترکیه به عنوان اضلاع این مثلث وجود دارد که در آن هر یک از این بازیگران در پی دستیابی به اهداف و یا آرمان‌های منطقه‌ای و یا جهانی خود می‌باشند. در این فضا تغییر فضای سیاسی به سوی هر یک از این بازیگران بر وزن ژئوپلیتیکی آنان اثر خواهد گذاشت و بر آن خواهد افزود. از همین جهت هیچ‌یک از بازیگران چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح فرامنطقه‌ای و یا غیردولتی و یا داخلی از اقدامات خود و یا حمایت در عرصه نظامی و عملیاتی و یا مالی عقب‌نشینی نخواهند کرد و این امر بر استمرار جنگ سوریه و تشدید بحران خواهد انجامید.

در خصوص رقابت‌های منطقه‌ای عربستان سعودی و ج.ا.ایران باراک اوباما رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا در مصاحبه با مجله آمریکایی نیویورک ابراز امیدواری کرد رقابت‌های ژئوپلیتیکی ایران و عربستان برای آمریکا این فرصت را فراهم می‌کند تا موازنه جدیدی از قدرت در منطقه بر اساس منافع راهبردی آمریکا شکل گیرد (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۳۰). به همین دلیل آمریکا با دامن زدن بر اختلافات قومی و مذهبی در منطقه جنوب غربی آسیا و میان مسلمانان اهداف خود را تاکنون محقق نموده و با رفتارهای چندپهلوی در قبال مسائل

منطقه در پی آن است که ثبات منطقه دچار چالش‌های بلند مدت گردد؛ از این جهت با تجهیز گروه‌های تروریستی مانند داعش برای تحقق راهبرد جدید خود در منطقه بهره‌برداری کرده و با راه انداختن جنگ‌های نیابتی سعی در کنترل منطقه نه حل مسائل آن دارد. بدیهی است که آمریکا با وجود گروه‌های تروریستی مانند داعش تلاش دارد بر بحران در سوریه غلبه کرده و با جنگی نیابتی نسبت به تغییر رژیم این کشور اقدام نماید تا از این طریق از طرفی حاشیه امنی را برای رژیم جعلی اسرائیل فراهم نماید و از طرف دیگر با قطع نمودن فضای ارتباطی میان ایران و حزب‌الله اسباب انزوای ایران را در منطقه فراهم نماید.

همچنان که ملاحظه گردید، یکی دیگر از اساسی‌ترین عوامل بحران در سوریه که توسط ایالات متحده تجهیز و تحریک می‌شود و به طور کاملاً مستقیم در بروز و شکل‌گیری، تداوم بحران ژئوپلیتیکی در منطقه و خصوصاً استمرار جنگ در سوریه نقش بسیاری دارد و خود امروز به عنوان یک تهدید ترکیبی ظهور کرده است، گروه داعش است. این گروه به عنوان یک بازیگر غیر دولتی و با تفکر و تمرکز بر عملیات جمعیت محور، به کارگیری خشونت، تبهکاری و ترور، ارباب و وحشت و استفاده از راه‌کنش‌های جنگ‌های کلاسیک و ترکیب و ادغام آن با عملیات نامنظم - و به کارگیری همزمان رسانه و عملیات روانی، شکاف جهانی جدیدی در آسیب‌پذیری دولت‌ها ناشی از تهدیدات نظامی متعارف و غیرمتعارف که از سوی ارتش‌های جهان متصور است را به وجود آورده است. این شکاف امروز به حدی است که مرز بین جنگ و صلح و مفاهیم حقوقی آن را به چالش کشیده است. به طوری که امروز تهدیدات ترکیبی به‌مثابه چالشی در قبال صلح و امنیت جهانی ظهور یافته و به چالشی امنیتی تبدیل شده است. تهدیدات ترکیبی نه تنها چالشی امنیتی/ نظامی بلکه چالشی حقوقی نیز محسوب می‌شوند؛ چرا که عملیات جمعیت محور و قرار دادن اجتماعات انسانی به عنوان صحنه عملیات علاوه بر محدودیت پاسخگویی، سبب از کاهش ضریب حفاظت از غیر نظامیان گردیده است.

در یک جمع‌بندی کلی، چنین استنباط می‌گردد که جنگ سوریه نیز مانند هر بحران ژئوپلیتیکی دیگر حاصل تقابل دو جبهه متضاد است که به علت وجود تعدد رقبای درگیر - از یک جنگ داخلی به ابعاد یک بحران امنیتی جهانی تبدیل گردید و پایان آن در گرو شکست یا عقب‌نشینی یک جبهه و چشم‌پوشی از اهداف و علایق در حوزه مورد رقابتی است که اساساً بر پایه مسائل ژئوپلیتیکی متمرکز گردیده است. هر چند یکی دیگر از تمایزات جنگ سوریه به عنوان نمونه‌ای از یک ترکیبی تمام عیار با سایر جنگ‌ها ارائه این فرضیه است که منافع و بعضی از اهداف رقبا تاکنون در طول جنگ تأمین گردیده است و می‌تواند منبعد نیز در خلال ادامه جنگ نیز تأمین شود؛ از این‌رو بازیگران مختلف در این جنگ خصوصاً بازیگران فرامنطقه‌ای شاید خیلی بر نتایج جنگ که امروز مدعی آن هستند قائل نباشند و در طی زمان

آن را فاقد اهمیت دانسته و اهداف دیگری را مد نظر قرار دهند؛ از این رو جنگ ترکیبی شاید پیروزی و یا شکست فاقد آن معنای خاص خودش است.

از دیگر نتایج این تحقیق می‌توان به این نکته اشاره نمود که همواره علل اصلی جنگ‌ها و مسائل و چالش‌های امنیتی در رقابت‌های ژئوپلیتیکی خصوصاً رقابت میان قدرت‌های بزرگ نهفته است و نظامی‌گری معاصر و رقابت‌های آن همچنان در مناطق ژئوپلیتیکی جهان ادامه خواهد داشت. معضل امنیت آینده کشورها نه بر جنگ‌ها و تهدیدات کلاسیک و حتی ناهمتر از بلکه بر پایه شورش‌های محلی در مناطق مرزی و بر پایه دموکراسی‌خواهی توسط گروه‌های قومی و مذهبی ساکنان شهرهای مرزهای طراحی و متمرکز می‌باشند. این اقدامات با توسعه وضعیت در دو سمت بیرونی و داخلی گسترش یافته و علاوه بر مناطق داخلی بر خارج از مرزهای بین‌المللی گسترش یافته تا ابعاد بیشتری پیدا نماید. از این رو بزرگترین چالش پیش‌روی ارتش‌های جهان، حتی ارتش‌های مدرن و حرفه‌ای تقابل با نیروهای جنگ ترکیبی است که صحنه نبرد آنان بر اجتماعات انسانی متمرکز خواهد بود.

## منابع

- باکمان، ساشادومینیک و گونریوسون، هاگان (۲۰۱۴). جنگ‌های ترکیبی: تهدیدات سده ۲۱م در قبال صلح و امنیت جهان. ترجمه: شیخ‌بهایی، مسعود و جولایی، محمد (۱۳۹۴). انتشارات موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی - مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی. تهران. چاپ اول.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. انتشارات پاپلی (وابسته به پژوهشکده امیر کبیر). مشهد. چاپ سوم.
- خلیلی، محسن؛ صیادی، هادی و حیدری، جهانگیر (۱۳۹۱). مطالعات اوراسیایی مرکزی. پیوند گد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست (نمونه‌پژوهی؛ ترکیه و ایران). دانشکده حقوق و علوم سیاسی. سال پنجم، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صفحات ۵۶-۳۹.
- رجبی، سهیل (۱۳۹۱). فصلنامه ۱۵ خرداد. واکاوی نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی. شماره ۳۴.
- ساوه درودی، مصطفی (۱۳۹۳). فصلنامه امنیت‌پژوهی. گروهگ تروریستی داعش؛ برآیند تنازعات و ناامنی منطقه‌ای. سال ۱۳، شماره ۴۵. صفحات ۱۰۸-۸۹.
- سی ویلیامسون، استیون (۲۰۹۳). از جنگ‌های نسل چهارم تا جنگ‌های ترکیبی. ترجمه: شیخ‌بهایی، مسعود و جولایی، محمد (۱۳۹۴). انتشارات موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی - مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی. تهران. چاپ اول.
- شایان‌مهر، عیالرضا (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی جنگ. انتشارات جامعه‌شناسان. تهران. چاپ اول.

- شمس دولت‌آبادی، سید محمود؛ اشتری، حسن (۱۳۹۴). فصل‌نامه محیط راهبردی. سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۵. بنیادهای ژئوپلیتیکی مؤثر در شکل‌گیری و تداوم جنگ سوریه. صفحات ۴۳-۱۱.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۳). ژئوپلیتیک. انتشارات سمت. تهران، چاپ دهم.
- فلینت، کالین (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر ژئوپلیتیک. ترجمه: محمدباقر قالیباف و محمد هادی پوپنده. انتشارات قومس. تهران. چاپ اول.
- فیروزآبادی، سیدحسن و همکاران (۱۳۹۳). تکفیرهای داعش را بشناسیم. انتشارات دانشگاه دفاع ملی (داعا). تهران. چاپ دوم پاییز ۱۳۹۳.
- کال‌ها، خولیو میراندا (۲۰۱۵). جنگ ترکیبی: چالش راهبردی جدید ناتو؟. ترجمه: شیخ‌بهایی، مسعود و جولایی، محمد (۱۳۹۴). انتشارات موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی - مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی. تهران. چاپ اول.
- مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد علی صیاد شیرازی. پیدایش جنگ ترکیبی (۱۳۸۹). گزارش پژوهشی شماره ۲.
- مصطفوی، سیدولی‌الله (۱۳۹۲). سوریه صحنه تنازع بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای. کتاب تحولات عربی، ایران و خاورمیانه. دکتر کیهان برزگر مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات خاورمیانه. چاپ اول: ۱۸۴-۱۸۲.
- موسوی، سیدحسن (۱۳۸۸). فصل‌نامه مطالعات راهبردی. مذاکرات سوریه و اسرائیل، مبانی، روندها و پیچیدگی‌ها. شماره ۴۳.
- مؤمنی، منصور. شریفی سلیم، علیرضا (۱۳۹۳). مدل‌ها و نرم‌افزارهای تصمیم‌گیری چند شاخصه. انتشارات مؤلف. تهران، چاپ دوم.
- مهتدی، محمدعلی (۱۳۹۰). ماهنامه مهرنامه، جبهه شرقی. شماره ۱۵.
- میرزاده کوه‌شاهی، مهدی (۱۳۹۲). ماهنامه دیدبان امنیت ملی. گسترش تروریسم، سیاست راهبردی عربستان. شماره ۲۳. پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هافمن، فرانک (۲۰۰۶). حزب الله و جنگ‌های ترکیبی: درس عبرت آمریکا از لبنان. اخبار پدافندی. ص ۵۲.
- هووینن، پتری (۲۰۱۱). جنگ ترکیبی: جنگ مرکبی دیگر؟ ترجمه: شیخ‌بهایی، مسعود و جولایی، محمد (۱۳۹۴). انتشارات موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی - مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی. تهران. چاپ اول.